

# فرانتس کافکا

## نامه‌های کافکا به پدر و مادر

---

ترجمه ناصر غیاثی



www.ketab.ir

Kafka, Franz	کافکا، فرانتس، ۱۸۸۳-۱۹۲۴
نامه‌های کافکا به پدر و مادر (در سال‌های ۱۹۲۴-۱۹۲۲)، ترجمه ناصر غیائی، تهران: نشر ثالث، ۱۳۸۷.	
Briefe an die Eltern aus Jahren 1922-1924	
۱۰۲ ص.	
ISBN 978-964-380-436-7	شابک: ۷-۴۳۶-۳۸۰-۹۶۴-۹۷۸
	کافکا، فرانتس، نامه‌ها
۸۳۳/۹۱۲	۸۵/۲۶۳۲/ی



دفتر مرکزی: خیابان کریمخان زند/ بین ایرانشهر و ماهشهر/ پ ۱۶۲ / طبقه چهارم/ تلفن: ۸۸۲-۲۳۳۷  
 فروشگاه: خیابان کریمخان زند / بین ایرانشهر و ماهشهر / پ ۱۶۰ / تلفن: ۸۸۲۲۵۳۲۶-۷

نامه‌های کافکا به پدر و مادر

• فرانتس کافکا • ترجمه ناصر غیائی • ناشر: نشر ثالث

• مجموعه ادبیات جهان

• طراح جلد: پرویز بیانی

• ویرایش هنری، فنی و لیتوگرافی: کارگاه نشر ثالث

رضا شمس - آرزو رحمانی - انسیه محسنی

• چاپ اول: ۱۳۸۷ / ۲۲۰۰ نسخه

• چاپ: رهنما • صحافی: صفحه‌پرداز

• کلیه حقوق چاپ محفوظ و متعلق به نشر ثالث است

ISBN 978-964-380-436-7

• شابک: ۷-۴۳۶-۳۸۰-۹۶۴-۹۷۸

پست الکترونیکی: Info@Salesspub.ir

• سایت اینترنتی: WWW.Salesspub.ir

• قیمت: ۲۰۰۰ تومان

فهرست

۹	یادداشت مترجم
۹	کوتاه درباره این کتاب
۱۰	کوتاه درباره این ترجمه
۱۳	درآمد
۲۹	نامه‌ها
۳۱	۱۹۲۲
۳۱	شماره اول
۳۷	۱۹۲۳
۳۷	شماره اول
۳۸	شماره دوم
۴۰	شماره سوم
۴۶	شماره چهارم
۴۷	شماره پنجم
۴۸	شماره ششم
۵۰	شماره هفتم
۵۰	شماره هشتم
۵۲	شماره نهم
۵۴	شماره دهم
۵۷	۱۹۲۴
۵۷	شماره اول

۵۹	شماره دوم
۶۳	شماره سوم
۶۶	شماره چهارم
۷۰	شماره پنجم
۷۲	شماره ششم
۷۳	شماره هفتم
۷۳	شماره هشتم
۷۵	شماره نهم
۷۷	شماره دهم
۷۹	شماره یازدهم
۸۰	شماره دوازدهم
۸۲	شماره سیزدهم
۸۲	شماره چهاردهم
۸۳	شماره پانزدهم
۸۴	شماره شانزدهم
۸۵	شماره هفدهم
۸۷	شماره هجدهم
۸۸	شماره نوزدهم
۹۰	شماره بیستم
۹۱	شماره بیستم و یکم
۹۱	شماره بیست و دوم
۹۲	شماره بیست و سوم
۹۵	شماره بیست و چهارم
۹۶	شماره بیست و پنجم
۱۰۱	ملحقات
۱۰۱	وصیت نامه های کافکا

## یادداشت مترجم

### کوتاه دربارهٔ این کتاب

ژانویهٔ سال ۱۹۸۲ کتابی به کوشش هارت موند بیندا و کلاوس واگن-باخ، دو کافکاشناس بی‌بدیل آلمانی، منتشر می‌شود با عنوان: *فرانتس کافکا، نامه به اتلا و خانواده*. این کتاب حاوی ۱۲۰ نامه و کارت پستی و کارت پستال است. ۱۰۱ مورد خطاب به کوچک‌ترین خواهرانش اتلا است که کافکا رابطهٔ بسیار نزدیک و صمیمانه‌ای با او داشت. پنج مورد خطاب به یوزف داوید شوهر اتلا و هشت مورد خطاب به پدر و مادر کافکا است. میان این نامه‌ها که بین سال‌های ۱۹۰۹ تا ۱۹۲۴ نوشته شده تنها شانزده نامه و کارت پستی به سال‌های ۱۹۲۲ تا ۱۹۲۴ مربوط می‌شود.<sup>۱</sup>

هشت سال بعد در سال ۱۹۹۰ کتاب دیگری منتشر می‌شود به عنوان *نامه به پدر و مادر از سال‌های ۱۹۲۲ تا ۱۹۲۴*. این کتاب حاوی نامه‌هایی است که تازه پیدا شده‌اند، نامه‌هایی که زندگی کافکا در هفت ماهی که در برلین به سر می‌برد و اقامت چند هفته‌ای او را در آسایشگاه‌های اتریش مستند می‌کنند. کتاب حاضر ترجمهٔ فارسی این نامه‌هاست.

یکی از گردآورندگان در پیشگفتار کتاب در چند و چون و حال و هوای این نامه‌ها توضیح مفصلی آورده است و به توضیح بیش‌تر مترجم نیازی نیست، مگر چند نکته که شاید برای خواننده ناآشنا با جزئیات زندگی کافکا مفید واقع شود: سال ۱۹۱۷ نخستین نشانه‌های بیماری تنفسی در کافکای سی و چهار ساله

---

۱. امیدوارم اگر عمری باقی بود و فرصتی دست داد، ترجمهٔ فارسی این نامه‌ها را نیز به زودی در اختیار خوانندهٔ فارسی زبان قرار بدهم.

آشکار می‌شود. از آن سال تا تابستان ۱۹۲۲ که با تلاش‌های بی‌وقفه کوچک‌ترین خواهرش اتلا بازنشسته می‌شود، سال‌هایی است که یا صرف تلاش برای مداوای بیماری می‌شود یا صرف کشمکش با شرکت بیمه برای گرفتن مرخصی‌های استعلاجی تا سرانجام موافقت مقامات شرکت بیمه با بازنشستگی کافکا اعلام می‌شود. کافکا یک سال پس از بازنشستگی، در تابستان ۱۹۲۳ در سفری درمانی به موریتس در شمال آلمان و در کنار دریای بالتیک با دورا دیامانت، دختری لهستانی و یهودی آشنا و دوست می‌شود. در پاییز همان سال همراه با او به قصد زندگی مشترک و نیز برای رهایی از دایرة تنگ پراگ، بخوان بند خانواده، به برلین کوچ می‌کند. اما آلمان در حال گذراندن سال‌های پس از شکست جنگ جهانی اول، ناآرامی‌های سیاسی و سال‌های بحران شدید اقتصادی است. قیمت‌ها روزانه بیست درصد افزایش پیدا می‌کند. کافکا و دیامانت در طول هفت ماهی که در برلین به‌سر می‌برند، سه بار خانه عوض می‌کنند، هر بار به دلیل گران بودن کرایه خانه. بیماری کافکا اما اجازه نمی‌دهد تا رنگ آرامش ببیند. سل حنجره در حال پیشرفت حالش را روز به روز وخیم‌تر می‌کند تا جایی که فقط می‌تواند پیچ پیچ کند. پس ناچار می‌شود برای مداوا به آسایشگاه‌های مختلف وین برود. در اوایل بهار ۱۹۲۴ تشخیص پزشکان به‌طور قطعی سل حنجره است. حالا دیگر نه می‌تواند بخورد و نه بنوشد و نه حرف بزند. حرف‌هایش را روی تکه‌های کاغذ می‌نویسد: «بپرس آب معدنی خوب دارند. فقط از روی کنجکاو می.» طرفه این که در همین روزها، در بستر مرگ نسخه هنرمند گرسنگی را غلط‌گیری می‌کند.

برای تکمیل کردن کتاب، چهارنامه از کافکا را که به فاصله زمانی ۱۹۲۲ تا ۱۹۲۴ مربوطند از کتاب نامه به اتلا و خانواده و دو وصیت‌نامه کافکا را به کتاب حاضر افزوده‌ام.

### کوتاه درباره این ترجمه

هر چه در نامه‌ها جلوتر می‌رویم، غلط‌های املائی و کم توجهی کافکا به علایم سجاوندی بیشتر و از حجم نامه‌ها کاسته می‌شود. کافکا این نامه‌ها را در شرایطی می‌نویسد که از یک سو حالش روز به روز رو به وخامت می‌رود و از

سوی دیگر به خاطر بحران شدید اقتصادی در آلمان فشار مالی هرچه بیشتر می‌شود. مجموعه این عوامل دست به دست هم می‌دهند تا گاه ساختمان جملات درهم بریزند یا برای نمونه «نامه بزرگ» به جای «نامه طولانی» نوشته شود و گاه کلمه‌ای مثل «اما» یا «البته» در دو جمله پشت سر هم تکرار شوند. یکی دو بار نیز جملات نیمه‌کاره باقی می‌مانند، مانند بخشی از نامه شماره دوازده. کوشیده‌ام به اصل متن تا جایی که فهم مطلب برای خواننده فارسی زبان مشکل نشود، پایبند بمانم. گردآورندگان در متن اصلی تمامی این غلط‌ها یا کاستی‌ها را با آوردن «کذا فی الاصل» مشخص کرده‌اند. غلط‌های املائی و دستوری، به‌ویژه در اضافات دورا دیامانت، کم نبوده‌اند، چرا که نه او آلمانی بود و نه زبان مادری‌اش آلمانی بود. پرواضح است که برگرداندن این غلط‌ها در ترجمه فارسی ناممکن است. با این وجود کوشیده‌ام ضمن وفاداری به متن آلمانی، لحن خودمانی، محاوره‌ای و گاه شوخ کافکا در این نامه‌ها را نیز به فارسی منتقل کنم. با این همه نباید از نظر دور داشت که این نامه‌ها را مردی به شدت بیمار و به غایت فقیر در کشوری با بحران شدید اقتصادی می‌نویسد، مردی که امیدوار است اکنون تمام وقت و انرژی‌اش را تنها و تنها صرف نوشتن کند اما ابر و مه و خورشید و فلک دست به دست هم می‌دهند تا او را از پای در آورند.

گردآورندگان برای هرنامه توضیحاتی در ضمیمه آورده‌اند مثل تکرار آدرس گیرنده و فرستنده، اندازه کارت، مقدار تمبر و تاریخ مهر پست یا کلماتی که کافکا در نامه‌هایش خط زده و از این رو ناخوانا بوده‌اند. بخش‌هایی از این توضیحات تنها به درد کافکا‌پژوهان می‌خورد تا مثلاً تاریخ دقیق یک نامه را تعیین کنند. از یک سو به خاطر کاستن از حجم کتاب و از سوی دیگر به خاطر تکراری بودنشان، این بخش‌ها را بسته به مورد حذف یا خلاصه کرده‌ام.

و سرانجام یک توضیح: در نامه شماره هشت، کافکا پس از شکایت از گرانی شستشوی لباس می‌نویسد: البته می‌شود درباره‌اش گفت: «خب از صمان اول می‌توانیم برویم زیر میز غذا بخوریم». جمله‌ای که بی‌ربط به نظر می‌رسد. جستجوهای من نشان داد که این جمله نه اصطلاح و ضرب‌المثلی آلمانی است و نه چکی. دست به دامان یکی از استادان و کافکا‌شناسان

دانشگاه هایدلبرگ آلمان آقای پتا شپنگلا<sup>۱</sup> شدم. او نیز نتوانست ربط یا معنی این جمله را توضیح بدهد. پس به ناچار جمله را همان‌طور که در متن بود به فارسی برگردانده‌ام.

ناصر غیائی

www.ketab.ir

---

1. Peter Spenler.